

## چکیده

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از جمله گروههای سیاسی و مبارز در دوران حکومت محمدرضا پهلوی بود که با اندیشه مبارزه مسلحانه برای از پای در آوردن رژیم فعالیت خود را آغاز نمود. این سازمان در طول فعالیتهای سیاسی خود در دوران پیش از انقلاب فراز و فرودهای بسیاری را پشت سر نهاد. اگر چه بسیاری از افراد این سازمان در همان سالهای اولیه توسط عوامل رژیم شناسایی و به قتل رسیدند ولی با این وجود کوشیدند در سالهای اختناق دهه پنجاه خورشیدی پیام آور آزادی برای رهایی خلق از سلطه استبداد و استعمار شاهنشاهی باشند. بررسی اندیشه حاکم بر این سازمان سیاسی کاری بود که در این پایان نامه کوشیده شد تا در حد توان مولف به آن پرداخته شود. هر چند که به دلیل کمبود و در دسترس نبودن منابع اصلی سازمان انجام کار بسیار دشوار و در مواقعی ناممکن می نمود ولی تلاش شد به جوانب این موضوع تا حد امکان پرداخته شده و از ذکر نکته ای اگر در ارتباط با پژوهش مورد نظر بوده کوتاهی نگردد. بررسی مبانی نظری و اندیشه ای سازمان فدائیان خلق با تکیه بر بررسی مبانی اندیشه ای بنیانگذاران اندیشه مبارزه مسلحانه در عرصه مبارزات سیاسی صورت گرفته است و تلاش شده است نقاط همگرایی و واگرایی این مبانی از یکدیگر مشخص و اشکار گردد. نبرد چریکی در حیطه مبانی نظری بر دو نظریه اصلی استوار است. گروهی که نبرد چریکی را بر پایه شروع نبرد از روستا و بر مبنای کار بر روی دهقانان و آزادی روستاها با کمک دهقانان و سپس آزادی شهرها با محاصره شهرها از راه روستاها میدانند (که به عنوان نمونه عملی چنین مبارزاتی میتوان از مبارزات مائو تسه دون در چین و کاسترو و چه گوارا در کوبا یاد کرد) و در مقابل این اندیشه نظریه پردازانی هستند که مبارزه را عمدتاً بر پایه کار شهری و نبرد چریک شهری میدانند و باور دارند که دهقانان نیروی مبارزاتی خوبی برای نبردهای رهایی بخش نیستند و این شهر و مبارزه شهری است که میتواند آزادی حقیقی را به میهن باز گرداند و دهقانان در یک پروسه مبارزاتی باید به مبارزات شهری جذب و همراه با مبارزان شهری و با کمک یکدیگر وطن را از اشغال مستبدان داخلی و خارجی رهایی بخشند (به عنوان نمونه عملی چنین مبارزاتی میتوان از مبارزات چریک شهری در برزیل و گواتمالا یاد کرد). هدف این پایان نامه نیز بررسی شیوه عملیاتی سازمان فداییان خلق بر پایه این اندیشه ها بوده است و اینکه آیا سازمان در رسیدن به اهداف خود موفقیتی متناسب با فعالیتهای و مبارزات خود کسب کرد یا خیر.

واژگان کلیدی : ؛ چریکهای فدایی خلق ؛ مبارزه مسلحانه ؛ مبانی مبارزاتی ؛ جنگ چریک شهری

## چکیده

مقدمه ..... ۶-۴

۱ - نقد منابع ..... ۸-۷

**بخش اول - مبانی و کلیات مبارزات مسلحانه ..... ۲۵-۹**

۲-۱ : مبارزات مسلحانه از دیدگاه مائو

۲-۲ جی‌آپ و جنگ چریکی در ویتنام

۲-۳ چه گوارا و دبری : جنگ چریکی در کوبا و امریکای لاتین

۲-۴ : کارلوس ماریگلا و جنگ چریک شهری

**بخش دوم- پیشینه مبارزات مسلحانه در ایران ..... ۳۲-۲۶**

۳-۱ : تعاریف و کلیات

۳-۲ : گروه‌های مبارز در ایران

۳-۲-۱ : ۳-۲-۱ زامیاد

۳-۲-۲ : سرخ جامگان

۳-۲-۳ : سیاه جامگان

۳-۲-۴ : جنگلیها

۳-۲-۵ : کوموله و دموکرات

۳-۲-۶ : رزم اوران

۳-۳ : علل شکست این مبارزات

**بخش سوم - انقلابات مارکسیستی در دیگر کشورها ..... ۵۵-۳۳**

۴-۱ : چین

۴-۲ : کوبا

۴-۳ : روسیه

۴-۴ : نیکاراگوئه

۴-۵ : بولیوی

۴-۶ : ویتنام

## بخش چهارم – علل شروع مبارزات مسلحانه در ایران ..... ۱۱۶-۵۶

۵-۱ : استبداد

۵-۱-۱ : تک حزبی شدن

۵-۱-۲ : ناکارآمدی احزاب سیاسی

۵-۱-۲-۱ : حزب توده

۵-۱-۲-۲ : جبهه ملی

۵-۱-۲-۳ : نهضت آزادی

۵-۱-۲-۴ : سانسور مطبوعات

۵-۱-۲-۵ : پانزده خرداد ۱۳۴۲

۵-۲ : استعمار

۵-۲-۱ : عیوب استعمار

۵-۲-۲ : حضور سیاسی امپریالیسم

۵-۳ : اقتصاد

۵-۳-۱ : عیوب جامعه سرمایه داری

۵-۳-۲ : فقر

۵-۳-۳ : جشنهای دو هزار و پانصد ساله

۵-۳-۴ : اوضاع کارگران

۵-۳-۵ : اوضاع دهقانها

۵-۳-۶ : رشد اقتصادی و پیامدهای آن

۵-۳-۷ : اصلاحات ارضی

۵-۴ : فضای جهانی در دهه شصت میلادی

۵-۵ : علل دیگر

## بخش پنجم – مبانی مبارزات مسلحانه از دیدگاه سازمان چریکهای فدایی خلق ..... ۱۳۳-۱۱۷

۶-۱ : تعاریف و کلیات

۶-۲ : مبانی مبارزات مسلحانه از دید فدائیان خلق

۶-۳ : هدف از مبارزه مسلحانه (چرا باید عملیات مسلحانه باشد)

۶-۴ : مبارزات مسلحانه و دهقانها (چرا نباید مبارزه را از دهقانها آغاز کرد)

۶-۵ : دیدگاه نظری حاکم بر سازمان فدائیان خلق از ابتدا تا انقلاب اسلامی

**بخش ششم- علل شکست مبارزات مسلحانه در ایران ..... ۱۳۵-۱۷۶**

- ۱- کلیات : ۷
- ۲- ۷ : عدم وجود پایگاه حمایتی ( نبود پشتیبان در خارج از مرزها - شوروی - )
- ۳- ۷ : تبلیغات رژیم علیه چریکها
- ۴- ۷ : عدم ارائه برنامه مشخص از سوی چریکها
- ۵- ۷ : مذهب ( عدم حمایت علمای مذهبی)
- ۶- ۷ : مشکلات سازمانی
  - ۱- ۷-۶-۱ : نبود پیشاهنگ
  - ۲- ۷-۶-۲ : لزوم حزب پیشاهنگ
  - ۷- ۷-۷ : تفاوت کشورها ، تفاوت انقلابها
  - ۸- ۷-۸ : عدم اتحاد با سایر احزاب
  - ۹- ۷-۹ : عدم پشتیبانی توده مردم از چریکها
    - ۱- ۷-۹-۱ : فواید یک پشت جبهه
    - ۲- ۷- ۹-۲ : دلایل عدم پشتیبانی توده ها
    - ۳- ۷ ۹ - ۳ : راههای جذب توده
    - ۱۰- ۷ - ۱۰ : عوامل دیگر
      - ۱- ۷- ۱۰-۱ : عدم دقت در ریزه کاریها
      - ۲- ۷ - ۱۰-۲ : جدائی عملکرد سیاسی از نظامی

**نتیجه گیری ..... ۱۷۷-۱۷۹**

**فهرست منابع ..... ۱۸۰ - ۱۸۶**

**پیوست ها ..... ۱۸۷ - ۱۹۳**

**چکیده لاتین ..... ۱۹۴**

## تعریف مسأله :

انقلاب اسلامی ایران بعنوان یکی از مهمترین انقلابات قرن بیستم دارای ابعاد ناشناخته بسیاری است و گروه‌های بسیار زیادی از افراد با گرایش‌های مختلف فکری و عقیدتی برای آزادی و رهایی از چنگ ستم و ظلم حاکم در دوران محمد رضا شاه یکپارچه و هم صدا بر علیه حاکمیت وقت فریاد بر آوردند و همگی خواستار يك چیز بودند : نابودی نظام شاهنشاهی. تا کنون به نقش علما و روحانیون در پیروزی انقلاب کتابها و مقالات بیشماري نوشته شده است و به نظر مي رسد بررسی نقش گروه‌های دیگری که در راه انقلاب و نابودی رژیم پیشین گام‌های مهمی برداشتند و در این راه از بذل جان و مال یش دریغ نورزیدند در سایه این اهتمام به نقش علماء پنهان مانده و یا تلاش می شود که به عمد نادیده انگاشته شود. جریانی تلاش دارد که انقلاب اسلامی را تنها به يك جریان و طرز تفکر خاص محدود و دیگر گروه‌ها و مبارزات در راه پیروزی انقلاب به علت مسائل پیش آمده در پس از انقلاب را به دست فراموشی بسپارد. این موضوع برای مورخان و علاقه مندان به تاریخ معاصر کشور و به خصوص مورخان دوران انقلاب اسلامی امری بسیار دشوار و ناپذیرفتنی می نماید. دغدغه اصلی يك مورخ باید همراه این بوده باشد که يك واقعه تاریخی را از نگرش‌های متفاوت و با یافتن علل مختلف ریشه یابی کرده و از تك علتی دیدن مسائل و مخصوصا پدیده بسیار مهمی همچون انقلاب ها به شدت پرهیز و دوری نماید. انقلاب اسلامی ایران کماکان پس از گذشت سه دهه از عمر آن کماکان موضوعی جذاب و البته ناشناخته برای بسیاری از علاقمندان به آن است و دارای لایحه ها و علل خاص بسیار پیچیده ای است. یکی از امور کمتر شناخته شده در این حوزه نقش گروه‌های مسلحانه در شکست رژیم پهلوی است. از جریانات مسلحانه دوران سلطنت محمدرضا شاه میتوان به گروه‌ها و سازمانهای مسلحانه مارکسیست اشاره کرد. اگر چه ریشه اکثر این گروه‌ها را میتوان در حزب توده جستجو کرد اما از میان آنها تنها چند گروه که در راس آنها سازمان فداییان خلق می باشد به مبارزه مسلحانه توسل جستند. لذا از نظر زمانی دهه های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی را بایستی پیدایش و اوج گیری این سازمانها دانست. اینکه جریانات مسلحانه چپ به چه میزانی در روند نهضت بیداری مردم ایران و به چالش کشیدن رژیم پهلوی نقش داشتند و از سویی دیگر چگونه تحت تاثیر جنبشهای مسلحانه معاصر قرار داشتند و با الگو گیری از آنها در ایران اقدام نمودند موضوع این پایان نامه خواهد بود.

## سؤال های اصلی تحقیق :

۱. میزان تاثیر پذیری جنبشهای مسلحانه ایران از الگوهای چپ جهانی به چه میزان بوده است؟

۲. آیا جنبشهای مسلحانه چپ به اهداف اولیه و ارمانهای خود در طول مبارزات رسیدند؟

۳ - علل شروع مبارزات مسلحانه در ایران چه بوده است ؟

فرضیه های اصلی تحقیق :

۱. به نظر می رسد عمده حرکات و اندیشه های این گروه ها وام گرفته شده از جنبشهای مسلحانه جهانی بوده است

۲. به نظر می رسد این گروه ها در راه رسیدن به اهداف و آرمانها متناسب با جهانیابی و ایدئولوژی چپ و خط مشی خاص مبارزه مسلحانه نرسیده باشند

۳ - در باب علل شروع مبارزات به نظر می رسد تاثیر پذیری از دیدگاه مارکسیسم جهانی در آن برهه زمانی اصلی ترین عامل در آغاز مبارزات مسلحانه بوده است .

سوابق پژوهشی موضوع :

بر طبق بررسیهای این جانب بررسی مستند و کار مستقلی در باب موضوع مورد پژوهش دست کم در ایران صورت نگرفته است و لزوم بررسی نقش و فعالیتهای این سازمان در دوران پیش از انقلاب بنظر می رسد که بسیار مورد نیاز می باشد . تنها کتابی که اخیراً در ایران به چاپ رسیده است کتاب چریکهای فدایی خلق از نخستین کنشها تا پیروزی انقلاب اسلامی - است که به نظر میرسد با نگاهی غیر واقع بینانه و با تاثیر پذیری از دیدگاههای سیاسی رایج به باز تعریف فعالیتهای چریکها در دوران شاه می پردازد و مبانی اندیشه ای و بررسی جامعی از اندیشه و مبانی نظری مبارزات مسلحانه در ایران و در سایر کشورها و یا علل شروع مبارزات در ایران و یا علل شکست این مبارزات در این کتاب مشاهده نمیشود .

بیان روش و مراحل انجام کار تحقیق :

روش به کار گرفته شده در پژوهش حاضر به صورت توصیفی - تحلیلی میباشد. که ابتدا از منابع فیش برداری میشود و بر طبق فصلها و بخشهای مورد نظر فیشها را تسویه میکنیم و بعد از طبقه بندی و تجزیه و تحلیل آنها مورد نگارش قرار میگیرند. منابع مورد تحقیق شامل منابع کتابخانه ای و اسنادی و آرشیوی میباشد. در برخی موارد که نیاز به توضیح نظر مولف نیز بوده است تلاش شده است تا در حد توان و سواد ناچیز خود مطلبی بر آن افزوده کنم .

خسونت فرا قانوني رژیم در سرکوب مخالفان ؛ مشکلات سازماني و دروني گروه هاي مبارز ايراني ؛ جو مذهبي جامعه ايران و ... همگي از علي بودند که باعث شدند چريکهاي فدائي خلق ايران به خواسته هاي خود در راستاي نابودي دستگاه حاکمه و برقراري دولت بي طبقه هرگز دست پيدا نکنند . عمر کوتاه بسياري از اين گروهها و تعداد کم اعضا ؛ و عدم فعاليت يا انجام عمليات و بويژه کمبود محسوس منابع و اطلاعات در باره اين گروهها مهمترين دلایلي بودند که باعث شدند مطالبی اندک و پژوهشهاي ناچيزي درباره آنها به رشته تحرير درآيد .

با اينهمه نوشته ها و کتابهاي چندي به اين گروهها و سير مبارزاتي آنها توجه داشته اند . اما نکته اساسي و تقريباً مشترک تمامی اين کتابها اين است که اين آثار غالباً تاريخي بوده و در بررسي و نقل تاريخ معاصر ايران صفحاتي چند را نيز به پيدائش و عملکرد گروه هاي چريکي اختصاص داده اند . و ديگر آنکه بيشتري اين نوشته ها به همان دلایلي که تاريخ نگارانه هستند از منطري وقایع نگارانه به اين موضوعات نيز پرداخته اند . و به توضیح و علل و چرایی اين گروهها و عملياتهاي آنها نپرداخته اند . منابع در باره اين موضوعات را به دو دسته کلی ميتوان تقسيم بندي کرد . دسته اول منابع که منابع اصلي و اوليه را در بر دارند . اين گونه منابع بيشتري نوشته ها و دست نوشته هاي خود اعضاي چريکهاي فدائي خلق بودند . . از بين منابع مهم در دسته اول مي توان به آثار جزني همچون مشي سياسي و کار توده اي ؛ وحدت و نقش استراتژیک چريکهاي فدائي خلق ؛ چگونه مبارزه مسلحانه توده اي ميشود ؛ بيژن نبرد با ديکتاتوری ؛ تاريخ سی ساله ايران و چند نوشته ديگر او اشاره کرد . نوشته هاي او که اغلب در زندان نوشته شده اند داراي سرمشق هاي براي مبارزه و تحليل اوضاع اجتماعي و فرهنگي ايران بر پايه اوضاع اقتصادي و به مثابه متغيري از اوضاع اقتصادي مورد بررسي قرار گرفته اند . نميتوان تاثير اشکار نوشته هاي او بر اندیشه هاي دروني افراد سازمان انکار کرد . در اين تحقيق نيز تلاش شد تا از بيشتري آثار او نهايت استفاده برده شود .

نويسنده ديگر مسعود احمد زاده است . کتاب بسيار مهم او - مبارزه مسلحانه ؛ هم استراتژي ؛ هم تاکتيک - به نوعي جايگاه کتاب سرخ را براي مارکسيستهاي ايراني ايفا مي کرد . او در اين کتاب ضمن بررسي تاريخ ايران و بررسي دقيق شرايط اقتصادي و اجتماعي ايران به بررسي دقيق اصلاحات ارضي پرداخته است . و مي کوشد با دلایل فراوان به اثبات رساند که اين اصلاحات گامي در راستاي تخريب اقتصادي ايران و وابسته کردن هر چه بيشتري دهقانان به جوامع شهري و بسط نظام سرمايه داري در روستاها بوده است و در نهايت نيز ضمن بررسي جنايات دستگاه حاکمه به اثبات رساند که مبارزه مسلحانه تنها راه رهايي از ستم و ظلم دستگاه حاکمه است .

حميد اشرف نيز از نويسندگاني است که کتابها و مقالات او براي افراد سازمان بسيار مهم و تاثير گذار بوده است . کتابهاي جمع بندي يك ساله و در ادامه ان کتاب جمع بندي سه ساله او از کتابهاي خوب و جامعي است که تصوير روشني از ايران عصر پهلوي به دست مي دهد . هر چند ديده گاه جانبدارانه او به طبع ايرادهايي را در کار او وارد کرده است ولي با اندکي دقت در محتوای مطالب مي توان به اطلاعات خوبي دست پيدا کرد

کتاب (تکوین و تکامل تاریخچه گروه‌های تشکیل دهنده چریک‌های فدایی خلق - ۱ گروه پیش‌تاز " جزئی - ظریف " - ۲ گروه پیش‌هانگ " احمد زاده - پویان - مفتاحی ) نیز از جمله کتاب‌هایی است که به بررسی جامع و مانعی از روند شکل‌گیری سازمان و کتاب‌های مورد استفاده افراد در بدو پیدایی سازمان پرداخته است .

کتاب‌های مصطفی‌شعاییان همچون نبرد سازش به گونه‌ای نقدي بر عملکرد سازمان محسوب می‌شوند و برای فهم روابط درونی سازمان و علل انشقاق و جدایی برخی از افراد از سازمان منابع خوبی به نظر می‌رسند .

تمامی منابع دست اول که بدست خود افراد سازمان فداییان به رشته تحریر درآمده اند از دو ایراد و اشکال عمده برخوردارند . مشکل اول دید به شدت مارکسیستی و یک‌جانبه آنها به تمامی مسائل - اعم از سیاسی و غیر سیاسی- است . آنها با درک و فهم بعضاً اشتباه از آموزه های مارکسیسم می‌کوشیدند تمامی رخدادهای داخلی را بر پایه دید مارکسیستی خود ارزیابی کرده و ملاک دیگری را در بررسی های خود دخیل نمی‌سازند . که همین عامل باعث اشتباهات فاحشی در نوع برداشت آنها از اقدامات شاه و کنش مردم ایران در آن مقطع زمانی گردیده بود . به عنوان مثال می‌توان بیشترین اشتباهات افراد سازمان را در مورد اصلاحات ارضی مشاهده کرد . مشکل دیگر این نوشته ها نگاه جانبدارانه و هوادارانه این افراد نسبت به سازمان و اقدامات این سازمان می‌باشد . آنها به عنوان عضوی از افراد این سازمان نمی‌توانستند و یا نخواستند دیدی واقع‌گرایانه و جامع نسبت به تمامی حوادث داشته باشند و بالاتر از آن هیچ‌گونه نقد و اعتراضی را از دیگر افراد - حتی خود افراد سازمان- سلب کردند . نمونه مصطفی‌شعاییان در سازمان نمونه اشکار افرادی است که به خود جرات داده از سازمان انتقاد می‌کردند .

در باب منابع دسته دوم نیز میتوان از کتاب تاریخ بیست و پنج ساله ایران نوشته غلامرضا نجاتی نام برد . او در کتاب خویش به گروه‌های چریکی فعال و عمده در ایران پرداخته و بیشتر به روایت شکل‌گیری و فعالیت دو سازمان چریک‌ها و مجاهدین خلق پرداخته است . هر چو وی به طوری کوتاه مباحثی را در خصوص خاستگاه اجتماعی اعضا و بنیانگذاران این سازمان و شرایط سیاسی و اجتماعی ایران و تاثیر گرایش یافتن مبارزات سیاسی به سوی مبارزات مسلحانه را مطرح می‌کند اما نباید ناگفته گذاشت که نوشته های او بیشتر متأثر از نوشته های پرواند ابراهامیان است .

پرواند ابراهامیان در دو اثر خود با نام -ایران بین دو انقلاب - و- اسلام رادیکال ؛ مجاهدین خلق - بطور گسترده تری به سازمانها و گروه‌های چریکی و چگونگی و چرایی بوجود آمدن این سازمانها می‌پردازد . نوشته های او هر چند در مجموع حاوی مضامین و تحلیلهای جامعه‌شناسانه تری است ولی وجود دید مارکسیستی او مانع قضاوت منصفانه او درباره این گروهها شده است .

البته به نظر می‌رسد هنوز نگاشته‌ها و آثار مربوط به هواداران و نظریه پردازان مشی‌چریکی و نیز چند اثر معدود در نقد و بررسی مشی‌چریکی که در متن و بطن جنبش چریکی در ایران نوشته شده است مهمترین اثری هستند که علاوه بر روایت و تاریخچه و فعالیت گروه‌های چریکی به تحلیل شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور و زمینه‌های که باعث شکل‌گیری این سازمانها شده اند پرداخته اند . هر چند این آثار فاقد خصایص آکادمیک مستقل هستند و بیشتر در جهت تبیین و توجیه ایدئولوژی و رفتار خود افراد نوشته شده اند .



## مبانی و کلیات مبارزات مسلحانه مارکسیستی

جنگ چریکی را که پس از جنگ جهانی دوم و به ویژه با انقلاب چین آغاز و سپس طی سه دهه منجر به تشکیل سازمانها و گروههای چریکی در اکثر کشورهای جهان سوم گردید میتوان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول که بر اساس نظریات افرادی چون مائو و ژنرال جیاب استوار است و معتقد به ایجاد ارتش خلق و نبرد توده ای است. باتوجه به اهمیت تزهایی ارائه شده از سوی مائو و جیاب در اینجا به اختصار به بررسی آرای این افراد میپردازیم. تئوری مائو را میتوان به دو بخش تقسیم کرد: بخش اول حاوی اصول سیاسی و بخش دوم شامل اصول صرفاً نظامی است. مائو در آثار خود به ضرورت تجزیه و تحلیل اجتماعی و اقتصادی و ساختار سیاسی جامعه توجه ویژه دارد و بر نیاز بر درک بافتهای اجتماعی و اقتصادی جامعه برای تعیین شکل فعالیتهای انقلابی و بهره برداری از تضادهای موجود تاکید کرده است. در یک مقایسه ساده میتوان گفت که نظرات مائو در عین تجدید نظرهای اساسی به نسبت دیدگاههای تئوریسین های بعدی جنگ چریکی به اصول مارکس و انگلس بسیار وفادارتر است. مائو ضمن مطالعه وضعیت چین چهار ویژگی عمده را مشاهده کرد " پهناور و نیمه مستعمره بودن چین ۲- داشتن یک دشمن نیرومند ۳- کوچکی و ضعف ارتش سرخ در مقایسه با ارتش کومینگ تانگ ۴- تعیین کنندگی نقش رهبری حزب کمونیست " (۱). مسائل فوق منجر به اتخاذ خط مشی مائو گردید. این مشی دو ویژگی اساسی داشت: یکی ضرورت تشکیل ارتش خلق برای مبارزه با ارتش کومینگ تانگ و دیگری طولانی بودن مبارزه و تحقق انقلاب. اما آنچه که سبب شد انقلاب چین و مائوئیسم بر جریانات چپ و بویژه اقشار جوان در دیگر کشورها تاثیر گذار باشد شیوه مبارزاتی مائو و اصول نظامی او بود. چکیده نظرات مائو در این خصوص عبارتند از:

- ۱- اول به نیروهای پراکنده و دورافتاده دشمن حمله کن؛ انگاه به نیروهای متمرکز مترکم و نیرومند
- ۲- در آغاز بر شهرهای کوچک و متوسط و سرزمینهای وسیع روستایی چیره شو؛ انگاه در مرحله بعد شهرهای بزرگ را به زیر سلطه درآور.
- ۳- تجزیه نیروی اصلی و موثر دشمن را در سرلوحه کار خود قرار بده. تغییر و نگهداری یک شهر یا منطقه نباید هدف اصلی تو را شامل شود.
- ۴- تلاش کن روش جنگی را کاملاً اجراء کنی. شجاعت در نبرد، نترسیدن از قربانی دادن، نهراسیدن از خستگی و جنگ پی در پی ۷- بکوش با توسل به تحرك در رزم به تجزیه کامل سپاه دشمن بپرداز
- ۸- در هر نبرد باید قوای خود را به صورت یک نیروی کاملاً برتر متمرکز ساخته و به محاصره کامل دشمن پرداخته و بکوشی انرا به طور کلی از بین ببری و اجازه هیچ گونه گریزی را ندهی.
- ۹- هیچ نبردی را بدون آمادگی آغاز نکن. در صورتی که به پیروزی اطمینان نداری؛ مبارزه مکن
- ۱۰- در خلال حمله به شهرها بدون کوچکترین تزلزل در صدد تسخیر آن دسته از نقاط شهرها باش که از استحکامات دفاعی ضعیف تری برخوردارند.

(۱): مائو تسه دونگ مسائل استراتژی در جنگ انقلابی چین ترجمه: محسن دوستخواه انتشارات پکن: اداره نشریات زبانهای خارجی ۱۹۷۶

۱۱- از فواصل میان نبردها برای استراحت؛ کارآموزی؛ و تحکیم وضع سربازان استفاده کن (۱). این استراتژی بر این واقعیت استوار است که رژیم حاکمه همیشه دارای نفرات و نیروهای برتر است. مائو چکیده جریان جنگ چریکی را به این صورت خلاصه میکند: دشمن حمله میکند ما عقب نشینی میکنیم دشمن اردو میزند ما دست به عملیات ایدایی می زنیم دشمن خسته میشود ما حمله میکنیم دشمن عقب نشینی میکند ما تعقیب میکنیم. در مجموع این اصول نظامی يك هدف اصلی را در پیش رو داشت: حفظ نیروهای خودی و نابودی نیروهای دشمن. و برای این منظور شش راه حل را ارائه میدهد: ابتکار عمل؛ همسویی با جنگ منظم؛ ایجاد مناطق پایگاهی؛ دفاع و تعرض استراتژیک؛ تکامل نبرد پارتیزانی؛ مناسبات صحیح در امر فرماندهی. نکته اساسی و قابل تامل در اندیشه انقلابیون چین این بود که آنها ناچار نبودند حامیان خود را بر اساس آموزه های مارکس در میان کارگران شهری و پرولتاریا بجویند. مائو حامیان و حاملان انقلاب را در بین اکثریت کشاورز جستجو میکرد چیزی که این کشاورزان کم داشتند تنها آموزش سیاسی بود. مائو با مهارت تمام توانست تکنیک جنگهای پارتیزانی را با ایدئولوژی مارکسیسم درهم آمیزد. همین ویژگی اندیشه و عمل مائو بود که بر انقلابیون کشورهای مستعمره و جهان سوم تاثیر زیادی نهاد. بطور کلی مائو برای نبرد سه مرحله قائل بود: ۱ - مرحله سازماندهی و تحکیم قوا و حفظ پایگاههای دور دست یا در مناطق صعب العبور در این مرحله هواداران آموزش داده می شوند و بعنوان عوامل و تبلیغگران برای کسب پشتیبانی به میان توده ها گسیل میشوند.

مرحله دوم: در این مرحله خرابکاری و تروریسم تشدید می شود. عناصر ارتجاعی تصفیه میشوند و حمله به نقاط آسیب پذیر با هدف به دست آوردن سلاح و مهمات و دیگر وسائل اساسی صورت می گیرد. مرحله سوم: این مرحله سرنوشت ساز است و دایر بر نابودی دشمن از راه عملیات نظامی کلاسیک است. که ضرورتاً عملیات نظامی را رد نمی کند. اما برای ان نقش مهمی قائل است. مائو همچنین به دگرگون سازی بنیادین ساختار اقتصادی - اجتماعی چین نظر داشت. به همین منظور در مناطقی ازاد شده دست به اصلاحات ارضی زد و در شهرها دارایی های سرمایه داران بزرگ را مصادره کرد. کلیه امور صنعتی کشاورزی و خدمات را تحت نظارت گرفت و عناصر ضد انقلاب و نامطلوب را تصفیه کرد. در سال ۱۹۴۸ مائو دستور حمله نهایی را صادر کرد این بار شهرهای بزرگ مورد حمله قرار گرفتند. نیروهای مائو پس از تصفیه شهرها از ورود نیروها و مهمات به درون شهرها جلوگیری کردند و این خود عامل مهمی در سقوط شهرها محسوب میشد. تاکتیک مائو در تمام جبهه ها حمله به نیروهای پراکنده و از پادرامده دشمن بود. آنها در برابر نیروهای مجهز و تازه نفس عقب نشینی میکردند و این کار را انقدر ادامه می دادند تا نیروهای دشمن خسته شوند. انگاه نوبت حمله به حمله به چنین نیرویی فرا می رسید. نیروهای مائو اصراری بر نگهداری شهرها نداشتند ولی هنگامیکه شهری به دست نیروهای دشمن می افتاد خطوط ارتباطی انرا با سایر نقاط قطع میکردند. عوامل نفوذی که در درون شهرها میماندند دست به خرابکاری میزدند. عمده این خرابکاریها شامل از کار انداختن تاسیسات اب و برق بود. به زعم مائو قوانین جنگ متأثر از زمان و

---

(۱): تی ال سرجنت - ایدئولوژی های سیاسی معاصر - ترجمه: محمود کتابی - انتشارات دانشگاه اصفهان - اصفهان سبی تا ص ۶۸-۶۹

(۲): چه ان جروم - انقلاب چین -- تهران - انتشارات امیر کبیر - ۱۳۵۷ ص ۶۶

مکان و طبیعت هر نبردی است. پیشرفتهای تاکتیک و استراتژیکی دشمن نیز بر این قوانین اثر میگذارد. شرایط از مرحله ای به مرحله دیگر حتی در یک نیرو واحد متفاوت است. همکاری نبرد چریکی با نبرد منظم امری ضروری برای پیروزی ارتش خلق است. این همکاری زمانی موفقیت آمیز خواهد بود که یک فرماندهی استراتژیک واحد متصدی چنین امری باشد. یکی از مهمترین ویژگیهای تاکتیک و استراتژیکی مائو در نبرد خلق ایده تمرکز نیروهای برتر برای نابودی تدریجی نیروهای دشمن است. مائو تأکید میکرد که تا وقتی دشمن قدرتمندانه شهرها را در تصرف خود دارد انقلابیون در صورتی که خواهان یک نبرد تمام عیار و دامنه دار هستند باید به روستاهای دور دست عقب نشینی کنند و پایگاههایی در این مناطق برپا کنند. هدف اصلی برای مائو و نیروهایش کسب قدرت سیاسی بود و به اعتقاد آنها تنها راه رسیدن به این هدف استفاده از نیروی نظامی است. مائو خود در این زمینه به صراحت میگوید: قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون میآید. مائو و هوادارانش همچنین بر این باور بودند که تجربه چین در نبرد انقلابی خلق تجربه ایست قابل تعمیم به مبارزات همه انقلابیون جهان بویژه در آسیا و آفریقا و امریکای لاتین. به نظر آنها مارکسیسم - لنینیسم تجزیه و تحلیل علمی از رشد مبارزات طبقاتی است. بر اساس این تجزیه و تحلیل مبارزه انقلابی پرولتاریا و همه مردمانی که برای رهایی می کوشند رهبری می شود. مائو در تحلیل کلاسیک خود از نبرد تمام عیار جنگ را به گونه ای توصیف میکند که در سه مرحله رشد می یابد این تصور به دنبال نبرد با ژاپن و ارتش کومینگ تانگ به مرحله عمل درآمد و پس از این بود که عنوان شد باید این سه مرحله را به مبارزات در جهان سوم نیز گسترش داد. این سه مرحله عبارتند از: ۱- مرحله تهاجم استراتژیک دشمن و دفاع استراتژیک مردم ۲- مرحله تقویت استراتژیک دشمن و مهیا شدن برای تهاجم متقابل از سوی مردم ۳- مرحله تهاجم استراتژیک متقابل مردم و عقب نشینی استراتژیک دشمن.

در مرحله نخست به دشمن اجازه داده می شود تا شهرهای بزرگ و سرزمینهای فراوانی را به دست آورد. در این هنگام نیروهای سازمان یافته مردم به پشت سر دشمن رفته تا در نبرد چریکی علیه دشمن شرکت کنند. به علاوه آنها باید در بسیج سیاسی توده ها نیز مشارکت می جویند. زیرا بدون چنین بسیجی برقراری پایگاههای روستایی و یا جذب افراد مورد نیاز واحدهای چریکی امکان پذیر نخواهد بود. جنگ چریکی جنگ اصلی و اساسی این مرحله نیست جنگ اصلی جنگ متحرک است. مرحله دوم این مدل بن بست استراتژیک است. در این مرحله نبرد چریکی جنگ اصلی به شمار می آید. این شیوه از نبرد به شیوه جنگ متحرک تکمیل میشود. در آخرین مرحله که تهاجم استراتژیک متقابل است جنگ چریکی روش اصلی اساسی خواهد بود بلکه نبرد متحرک از چنین ویژگی برخوردار است. در این مرحله نبرد مواضع بتدیج از اهمیت برخوردار خواهد شد و پایان نبرد را رقم خواهد زد به این ترتیب نبرد متحرک روش مسلط در هر سه مرحله است. اما جنگ چریکی از چنین مقام و موقعیتی برخوردار نیست مائو خود تأکید دارد که نبرد چریکی را نباید به مثابه یک شکل مستقل از نبرد دانست. مانو اساسی ترین دلیل برای شعله ور شدن جنگ چریکی را توسل خود بخودی مردم به اسلحه جهت مبارزه با متجاوز میدانند. (۱)

(۱): مائو - مسائل استراتژیک در جنگ ضد ژاپنی - ترجمه حمید رافت - تهران- نشر مروارید ۱۳۵۸ - ص ۹

واحد چریکی مائو جوخه است که از ۹ تا ۱۱ چریک تشکیل میشود. دو تا چهار جوخه یک دسته را تشکیل میدهد و هر چند دسته یک گروه را تا اینکه به گردان و گروهان برسد. این واحدها در یک منطقه نظامی تحت فرماندهی ۱ افسران نظامی و سیاسی قرار دارند. کشمکش چریکی دانشگاه جنگ است و هر چریک پس از چند بار جنگیدن خود میتواند فرمانده سپاه شود. مائو اخلاق چریک را بر سه پایه استوار میدانند:

۱- همه کارها تحت نظارت فرمانده است

۲- از مردم دزدی نکن

۳- نه خودخواه باش و نه بدهکار

مائو در استراتژی و تاکتیک نبرد چریکی از (( سون تزو)) تاثیر پذیرفته است. اثر معروف او در اینباره (هنر جنگ) است. هنر جنگ که در قرن چهارم پیش از میلاد نگاشته شده است قدیمی ترین رساله درباره جنگ است. سون تزو در این کتاب به موضوعاتی چون ارزیابی وضعیت، شرایط جنگ، استراتژی تهاجمی، آمادگی، انرژی، نقاط قوت و ضعف، مانور تحرک زمین و انواع آن تهاجم بوسیله آتش و استفاده از ماموران مخفی میپردازد. (۱) نقل چند اصل سون تزو این نکته را آشکار میسازد که مائو چه میزان از او تاثیر پذیرفته است. همچنین روشن میشود که مائو در تلفیق با مارکسیسم - لنینیسم با انگاره ها و نگره هایی به ویژه کنفوسیوسی و بطور کلی سنن چین تا چه حد به پیش رفته است:

هنر جنگ کلا بر اساس خدعه استوار است.

وقتی نزدیک هستید کاری کنید که گمان رود دور هستید و برعکس.

هنگامیکه دشمن متمرکز میشود خود را آماده کارزار با او کنید هر جا که او نیرومند است از برخورد با او اجتناب کنید.

مرتبا دشمن را در حال فعالیت نگه دارید و خسته اش کنید.

هنگامیکه دشمن متحد است وی را تقسیم کنید و پراکنده سازید.

در جایی که دشمن آماده نیست به او حمله کنید و هنگامیکه آمده به صحنه آمدن شما نیست بر وی بتازید. بدترین سیاست حمله به شهرها است تنها در زمانی به شهرها حمله برید که امکان دیگری نیست؛ اگر دارای نیروی برابر هستید میتوانید وارد نبرد شوید، در محلهایی که باید به دشمن ضربه زد به یکباره سر برآورید و به سرعت به محلی که منتظرش نیست حمله برید. (۲)

---

(۱): سوان تزو - هنر جنگ - ترجمه حسن حبیبی - تهران نشر قلم - ۱۳۵۹ - ص ۹

(۲): همان ص ۳۳ تا ۸۰

## جی‌آپ و جنگ چریکی در ویتنام (۱)

ژنرال جی‌آپ فرماندهی نیروهای ویت مینه را در جریان نبرد با ارتش فرانسه در فاصله سالهای ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۴ میلادی بر عهده داشت. تاثیر افکار او بر تئوری نبرد چریکی با انتشار کتاب وی به عنوان (نبردهای رهایی بخش و ارتش خلق) در سال ۱۹۵۰ آغاز گشت. جی‌آپ پس از نبرد معروف دین بین فو سلسله مقالاتی را منتشر کرد که بعداً به صورت کتابی به عنوان (جنگ خلق ارتش خلق) به چاپ رسید. به نظر جی‌آپ شکست امپریالیسم و طبقه فئودال از جمله دستاوردهای جنگ رهایی بخش ملی ویتنام است. استراتژی نبرد از نظر او نبرد دراز مدت مردمی است. چنین نبردی ناگذیر باید از مراحل عبور کند: مرحله درگیری؛ موازنه و در نهایت تهاجم متقابل همگانی. اجرای این مراحل به طور عملی نیازمند دقت بسیار است زیرا از پیچیدگی فراوانی برخوردار است. نیروهای مسلح را باید به هنگام نبرد بوجود آورد. برای پیروزی بر دشمنی که از لحاظ مادی نیرومند است باید روحیه رزمی را تا حد توان بالا برد. در آغاز نبرد حتی میتوان بدون اسلحه هم جنگید و اسلحه را از خود دشمن به غنیمت گرفت و چریکها را مسلح کرد. جی‌آپ به پیروی از تز کلاوس ویتس و لنین تاکید می‌کند که نبرد ادامه سیاست است. خط مشی انقلابی حزب هدف سیاسی جنگ انقلابی و عادلانه بودن جنگ مردم ویتنام را تعیین می‌کند. برعکس سیاست استعماری و تجاوز کارانه امپریالیستها غیر عادلانه بودن و ضد انقلابی بودن جنگ را برملا می‌سازد. جی‌آپ در توصیف نبرد چریکی می‌گوید: نبرد چریکی یکی از اشکال مبارزه مسلحانه توده‌های عظیم مردم است. مردم انقلابی در ابتدای جنبش نیروهای مسلح کوچک را تشکیل میدهند و جنگ چریکی را به راه می‌اندازند. جنگ چریکی باید برای حفظ موقعیت تهاجمی خود و خنثی‌سازی تهاجم متقابل دشمن گسترش می‌یابد. پس از تقویت مواضع و تاسیس ارتش منظم و جدا از نیروهای منطقه‌ای میتوان از جنگ چریکی گذشته و وارد نبرد منظم شد. در نبرد انقلابی جنگ چریکی پایه و اساس نبرد است. جنگ منظم باید پیوندهای مستحکم خود با جنگ چریکی را حفظ کند تا تمامی تلاشهای دشمن را ناکام گذارد. درست است که در نهایت جنگ چریکی باید به نبرد منظم تحول یابد اما هر دو این شیوه باید با هم ترکیب نیرومندی را بوجود بیاورند. جی‌آپ این نکته را به عنوان یک قانون عام نبردهای انقلابی مورد تاکید قرار میدهد. اقتصاد جنگی در یک کشور عقب مانده کشاورزی یک نبرد دراز مدت را تجربه می‌کند مساله بسیار مهمی است. پشت جبهه هم عبارت است از پایگاههای

(۱): در نگارش این بخش از دو منبع زیر استفاده شده است

Vo-guyengiappeoples - war peoples army :the viet cing insurrection manual for underdeveloped countries forward by roger hilsman profile of giap by bernard fall (new york -1962)

Vo-nguyen –giapthe military art of peoples war

(new york monthly review press 1970)

مقاومت روستایی. بنابراین باید تولید و افزایش تولید در این پایگاهها مورد پشتیبانی قرار گیرند. تولید اسلحه نیز باید افزایش یابد. پیروزی بر دشمن نیرومند نیازمند همبستگی ملی و ایجاد یک جبهه وسیع میهنی است که بر همبستگی کارگران و کشاورزان استوار است. مراحل سه گانه جیاب بی شباهت به مراحل سه گانه مائو نیست. جنگ چریکی جنگ توده های مردم در یک کشوری است که از لحاظ اقتصادی عقب مانده است. اما در مقابل ارتش متجاوز آموزش دیده و تا دندان مسلح ایستادگی می کنند. اگر دشمن نیرومند است از برخورد با او اجتناب میشود. و اگر ضعیف است بر او حمله می شود. جبهه همانجا و یا هر جایی است که دشمن انجاست. باید از اصولی چون دست داشتن ابتکار عمل؛ انعطاف پذیری سرعت و غافلگیری در جنگ نهایت استفاده را کرد. جنگ چریکی در جنگ رهایی بخش شامل تمام نقاطی است که دشمن آنها را در اشتغال خود دارد. هر شهروند یک سرباز است. هر دهکده یک دژ است و هر شورای دفاع از میهن در هر روستا یک ستاد مشترک خلق به عنوان یک کل واحد نقشی یگانه در نبرد مسلحانه دارد. خلق در دسته های کوچک سازمان می یابد و بر اساس اصول نبرد چریکی می جنگد. اما باید مشمول برنامه کلی و عام فرماندهی انقلابی باشد. هرگاه دشمن به مناطقی یورش برد سربازان خودی در آنجا مستقر هستند. سربازان با آنها خواهند جنگید اما هرگاه در مناطق گسترده ای از خاک میهن پراکنده شوند که در آنجا هیچ گونه سازماندهی وجود نداشته باشد مردم با سلاحهای ابتدایی و سرد خود جلو او را خواهند گرفت. بنابراین ارتش خلقی است زیرا از منابع بنیادین خلق دفاع می کند و به طریق اولی از منافع زحمتکشان کارگران و دهقانان.

ارتش خلقی ابزار حزب و دولت انقلابی است. این ارتش در راه تحقق اهداف انقلاب و از راه مبارزه مسلحانه دفاع می کند. جنگ چریکی همانگونه که گفته شد باید به تدریج به یک جنگ متحرک بدل شود. بدون جنگ چریکی جنگ متحرک و منظمی بوجود نخواهد آمد. از سوی دیگر اگر جنگ چریکی به نبرد متحرک بدل نشود نخواهد توانست به اهداف استراتژیک خود یعنی نابودی کامل دشمن دست یابد به علاوه حفظ و نگهداری فعالیتهای چریکی و نیز گسترش آن چندان ممکن نیست. به دیگر سخن رسیدن به جنگ متحرک به معنای نفی نبرد چریکی نیست بلکه وجود واحدهای چریکی در تمام دوران جنگ و برای انجام عملیات ویژه ضروری خواهد بود. به عنوان یک قانون عام همزیستی این دو شیوه نبرد مشروط به وجود رابطه ای تنگ و هماهنگی کامل آنهاست. چنان که در ویتنام هم دیدیم در جریان جنگ رهایی بخش واحدهای چریکی عقبه دشمن را به خط مقدم جبهه بدل ساختند پایگاههای چریکی در قلب اراضی اشغال شده بنا گردید و به این ترتیب واحدهای چریکی با وارد ساختن ضربات کاری انسجام دشمن را ضعیف ساختند و میدان مناسبی برای شیوه جنگ متحرک برپا نمودند. با وجود شباهتهایی که میان دیدگاههای جیاب و مائو وجود دارد باید گفت که نظریات جیاب تکرار حرف و تقلید کامل سخنان مائو نیست. شرایط عینی موجود در ویتنام با شرایط چین تفاوتی آشکار داشت جیاب در نظریات مائو بویژه مراحل سه گانه جنگ چریکی تغییرات را انجام داد عبور از مرحله دوم به مرحله سوم را مشروط به شرایط زیر کرد:

الف- برتری نیروهای انقلابی

ب- شرایط مناسب جهانی

پ- ضعف چشمگیر در اراده دشمن

جیاب سپس مرحله سوم را هم به چهار مرحله فرعی تقسیم میکند:

۱- رسیدن به برتری ذهنی بر دشمن

۲- سازمان یابی ارتش بر اساس پایه های نوین

۳- وقوع یک رویداد جهانی یا بین المللی که دشمن را ضعیف کرده و بطور مستقیم به نیروهای انقلابی کمک میکند

۴ - سوق دادن عملیات جنگی نیروهای انقلابی به سوی اهداف اصلی از سوی رهبریت پایدار در شرایطی که رهبریت دشمن ضعیف گردیده است

جیاب سازمان نیروهای نظامی را متشکل از سه گروه میداند: نیروهای منظم، نیروهای منطقه ای و میلیشای خلقی

او معتقد است که این شکل از سازماندهی کاملترین شکلی است که میتواند به تحرک و سازماندهی انقلابی کمک کند. میلیشای خلقی نیروی چریکی و گروههای دفاع از خود هستند که دارای پایگاههای کارگری می باشند. آنها در ضمن جنگیدن دست از کار و تولید برنمیدارند. نیروهای منطقه ای هسته مبارزه مسلحانه را در منطقه تشکیل میدهند چنانچه نیرویی بر اساس شرایط عینی میدان نبرد و هر منطقه بوجود می آیند. این نیروها همکاری و هماهنگی لازم را در میان سایر نیروها انجام می دهند. نیروهای منظم نیروهای متحرکی هستند که بطور کلی در کشور یا در بحثهای استراتژیک که برای آنها تعیین شده است به فعالیت می پردازند. گروه فوق با نیروهای سیاسی و امنیتی همکاری خواهند کرد.

### چه گوارا و دبیری: جنگ چریکی در کوبا و امریکای لاتین

نظریات دسته دوم نظیر کاسترو، چه گوارا، و رژی دبیری با این سوال آغاز میشود که از میان حزب و نیروی چریکی کدام یک مقدم اند و باید تقویت شود. با طرح این سوال عملاً بنیان اصلی نظرات لنین مبنی بر ضرورت وجود حزب پیشتاز برای آگاهی دادن به توده ها و آغاز مبارزه طبقاتی زیر سوال رفت. به دیگر سخن از آرا و اقوال نظریه پردازان این دسته چنین برمی آید که برای انقلاب به حمایت توده ها و وجود وضع انقلابی و شرایط ذهنی و عینی انقلاب در بدو امر نیازی نیست. همچنین ضرورت رهبری حزب طبقه کارگر انکار می شود.

کاسترو عقیده دارد این مردم و انقلابیون هستند که با یا بدون حزب انقلاب را در امریکای لاتین به انجام می رسانند. وی صریحاً اعلام میدارد که بدون وجود پیشتاز (چریک) انقلابی وجود نخواهد داشت. و این پیشتاز لزوماً حزب مارکسیست لنینیست نیست و این حق و وظیفه انانی که



میخواهند انقلاب راه بیاندارند است که برای خود پیشتازی مستقل از این احزاب به راه بیاندارند (۱)

این دیدگاه تجدید نظر طلبانه تا آنجا به پیش رفت که عدم مطالعه آثار مارکسیستی از جمله آثار لنین، مائو و جی‌اپ از سوی کاسترو در قبل از انقلاب کوبا یک شانس موفقیت آمیز برای او تلقی می کردند. چرا که احتمال میدادند که اگر کاسترو قبل از انقلاب ان نظرات را مطالعه کرده بود تحت تاثیر آنها قرار گرفته و منتظر شرایط عینی و ذهنی و حزب طبقه کارگر و حزب پیشتاز می شود. (۲)

غیر از تفاوت‌های اساسی تئوریک میان مائو از یک سو و کاسترو و چه گوارا از سوی دیگر در تاکتیک و چگونگی پیشبرد نبرد چریکی تمایزها و تفاوت‌های عمده ای وجود داشت مائو با استفاده از سرزمین گسترده چین و مناطق آزاد شده یا پایگاه‌های خود را برای اجتناب از ردیابی دشمن در درجه اول در مناطق صعب العبور و غیر قابل دسترسی بنیان نهاد. سپس با گذشت زمان و افزایش قدرت نیروها پایگاه‌ها همچون لکه جوهر در نواحی روستایی پخش شدند تا شهرها را در محاصره خود بگیرند. کوشش مشابهی در خصوص چگونگی استفاده از زمین برای کسب زمان از جانب چه گوارا و کاسترو در کوبا صورت گرفت. اما در اینجا به دلیل تفاوت‌هایی که در بین کوبا و چین در خصوص وسعت و شرایط زمین وجود داشت تاکید کمتری بر پایگاه‌های دائمی گذاشته شد و به تحریک توجه بیشتری شد. همین امر یکی از موارد و ویژگی های جنبش چریکی در امریکای لاتین محسوب میشد در واقع کاسترو و چه گوارا ایده فوکو یا کانون شورش را پرورش دادند زیرا که بر اهمیت نیروهای متحرک و استراتژیک که بطور مداوم در حال تغییر موقعیت خود برای اجتناب از ردیابی توسط دشمن و غافلگیری از تئوری فوکو نخستین بار توسط چه گوارا مطرح و تنظیم شد و رژی دبری انرا تدوین کرد. نکته اساسی این تئوری در ان است که انقلابیون نیاز ندارند و نباید منتظر شوند تا تمام شرایط عینی مبارزه آماده گردد. زیرا کانون و اهرم اصلی به حرکت درآوردن قیام را با پافشاری و اراده گروه پیشتاز میتوان خلق کرد. چه گوارا پس از پیروزی انقلاب کوبا بر ان شد شرایط انقلابی را در دیگر کشورهای امریکای لاتین بر اساس تئوری فوکو ایجاد کند. تئوری فوکو یا کانون شورش یکی از مفاهیم مهم نبرد چریکی چه گوارا است (۳). چریک باید با قهرمانی و رشادت خود یخ این انجماد و ذهنیت را درتوده ها ذوب کرده و انها را به حرکت وادارد. به گفته چه گوارا از تجربیات انقلاب کوبا برای جنبش‌های در امریکای لاتین میتوان سه اصل امورش را آموخت: ۱- نیروی خلق در نبرد علیه یک ارتش

(۱): مقامي علي - دکترينه‌ای امروز - تهران - بی نا - ۱۳۵۷ - ص ۴۲

(۲): همان ص ۴۳

(۳): بیلیس جان - استراتژی در جهان معاصر - ترجمه کابک خبیری - تهران - نشر: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر تهران - ۱۳۷۸ - ص ۱۹

منظم می تواند به پیروزی برسد ۲- نباید همیشه انتظار کشید تا همه شرایط برای انقلاب مهیا شود رهبری جنبش خود میتواند چنین شرایطی را بوجود آورد ۳- مبارزه مسلحانه باید در کشورهای کم رشد قاره امریکا و بطور کلی در مناطق کشاورزی صورت گیرد ( ۱ ). به این ترتیب چه گوارا خط مشی رسمی احزاب کمونیست امریکای لاتین را مردود میداند. اگر نیروهای خلقی بتوانند در نبرد بر ارتشی پیروز شوند از " وضع بیکاره ان انقلابیون دروغین " که میگویند ارتش را نمی توان از بین برد سخن نباید گفت و اگر موقعیت انقلابی را بتوان آفرید دیگر نیازی به منتظر بودن نیست تا همه شرایط ذهنی لازم برای انقلاب مارکسیستی فراهم شود. همچنین اگر چریک بتواند بر روستا پیروز شود لازم نیست تا صبر کند تا شهر نشینان و کارگذاران صنعتی بر شهرها پیروز شوند. کاری که همیشه در معرض حمله متقابل و موفقیت امیز ارتش دشمن است. چه گوارا اشکارا بر این نکته تاکید می کند که نبرد چریکی اساسا زمانی میتواند آغاز شود که امکان مبارزه از راه مسالمت امیز به طور کلی وجود نداشته باشد. چه گوارا می گوید " در انجا که رژیم ستمگری از راههای کم و بیش دموکراتیک به قدرت می رسد و در جایی که علی الظاهر به صورت قانونی حفظ می گردد جنبش پارتیزانی پدیدار نمی گردد، زیرا هنوز امکان مبارزه از راه قانونی وجود دارد و سپس ادامه می دهد " ما در اینجا بطور کلی امکانات اشکار رهبری نبرد مسلحانه را در تحت شرایطی بررسی و تجزیه و تحلیل می کنیم که آزادی ها و حقوق دموکراتیک تضمین شده و در قانون اساسی وجود ندارد یا اینکه بر حسب احتیاج نقص میگردد (۲). به این ترتیب او گوشزد می کند که برای آغاز نبرد مسلحانه و ایجاد کانون شورش به حداقل شرایط نیاز مندیم. هنگامیکه سخن بر سر شرایط لازم برای انقلاب است طبعا نمی توان پذیرفت که مجموعه تمام شرایط میتواند از سوی رهبری جنبش بوجود آید، بلکه باید این موضوع را چنین در نظر گرفت که همیشه حداقل شرایط در دسترس است تا بر اساس ان تاسیس یک کانون ابتدایی ممکن باشد. به عبارت دیگر باید برای مردم روشن ساخت که مبارزه به خاطر عدالت اجتماعی تنها از راه مسالمت امیز امکان ندارد صلح و مسالمت درست به دست طبقات ستمگر مورد تجاوز قرار میگیرد که به روش غیر قانونی به قدرت رسیده اند. ملت بر حسب نارضایی روز افزون اش به شکل قاطع تر مبارزه میکند شور انقلابی اش بیشتر میشود و سرانجام به مقاومت مثبت فعالانه بدل میشود که در لحظه خاصی به شعله ور شدن نبردی اشکار می انجامد که هیات حاکمه خود به ان دامن میزند (۳). بنابر این روشن میشود که نیروی کوچک چریک روستا تنها به یک شرط میتواند دست به عمل بزند و به عنوان پیشاهنگ مسلح توده مردم عمل کند که از پشتیبانی مردم بهره مند باشند. این شرایط مطلق است. چه گوارا خود در توضیح این نکته می نویسد قبل از هر چیز باید روشن شود که در جنگ پارتیزانی چه نیروهایی رودر رو قرار میگیرند در یک طرف مشت ستمگر و جبار و چاکر ان آنها قرار دارند که ارتش نظامی بوسیله انان وارد صحنه می شود این ارتش منظم و مسلح است.

(۱): چه گوارا ارنستو جنگ چریکی تهران نشر گل اذین ۱۳۸۵ ص ۳

(۲): همان ص ۵

(۳): همان ص ۵

و اغلب به پشتیبانی بیگانگان نیز تکیه دارد همچنین یک گروه اداری کوچک نیز کمر به خدمت این مشت مردم ستمگر بسته اند در طرف دیگر مردمان این کشور یا ان کشور یا این منطقه و ان منطقه قرار دارند. بسیار مهم است که مشخص شود جنگ پارتیزانی نبرد توده هاست. همچنین معین و مشخص شود که واحدهای پارتیزانی مسلح ، هسته مسلح و پیشاهنگان مبارزه مردم و خلق اند. نیروی خارق العاده واحد پارتیزانی در این است که می تواند از حمایت مردم برخوردار شود و بدان تکیه زند زیرا افزونی و کثرت نفرات دشمن نیز نمی تواند از قدرت پارتیزانها بکاهد. حتی اگر نیروی آتش و سلاحهای دستجات نظامی ارتش باشد از این رو هر گاه گروه نسبتا کافی از مبارزین مسلح موجود باشد میتوان و باید به نبرد پارتیزاین مبادرت ورزید. پارتیزانها باید ضمن مبارزه از کمک و پشتیبانی همه جانبه ساکنین محلی اطمینان داشته باشند این امر یک مقدمه ضروری است (۱). چه گوارا سپس تاکید می کند که نبرد پارتیزانی فقط مرحله ابتدائی یک نبرد خلقی و توده ای است و از این رو هرگز از راه نبرد چریکی هدف غایی به دست نخواهد آمد. (۲) نبرد پارتیزانی که در اینجا مورد نظر ماست یکی از مراحل اولیه و ابتدایی نبرد است و تا بدان جا گسترش می یابد که نیروی روز افزون آن خصلت و شکل یک ارتش منظم خلقی را بخود می گیرد. تازه در این لحظه است که میتوان ضربات اساسی بر دشمن وارد کرد و پیروزی را به چنگ آورد. پیروزی نهایی همیشه نتیجه عملیات ارتش خلقی است که در طول جنگهای پارتیزانی به تدریج به وجود آمده است (۳).

از سوی دیگر به نظر چه گوارا یک چریک چیزی بیشتر از یک جنگجو است او اصلاحگری اجتماعی است او دگرگون کننده اجتماع است او سلاح بر کف می گیرد و مکمل اعتراض خشمگین ملتی است که علیه هیات حاکمه به پا خاسته است. او برای تغییر و دگرگونی جامعه ای می رزمد که برادران بی سلاح او را در ناحقی و بی عدالتی در نکبت و فقر نگه داشته است. او علیه دولت موجود و لحظه موجود و تاسیسات موجود وارد پیکار می شود تا اگر شرایط و موقعیت مناسب شود بنیان این تاسیسات را با عزم راسخ خود نابود و منهدم سازد. به باور او برای تحقق چنین امری پارتیزان در منطقه ای میجنگد باید کلیه راهها و کوره راههای مناسب برای حمله و فرار را به طور دقیق بشناسد باید با چابکی دست به کار شود و واضح است که از پشتیبانی و کمک مردم نیز باید اطمینان داشته باشد. همچنین باید تمام مواضعی که میتواند خود را در انجا مخفی کند بشناسد از این بررسی نتیجه گرفته می شود که چریک باید در مناطق روستایی و کم جمعیت نبرد کند. و چون در مناطق روستایی و کم جمعیت نبرد کند و چون در مناطق روستایی مبارزه ملت به خاطر حقوقش قبل از هر چیز شامل دگرگونی شرایط موجود در زمینه بهره برداری از زمین می باشد. بنابراین چریک پیش از هر چیز به عنوان یک مبارز فعال برای رفرم زراعتی به پا می خیزد از خواسته های توده وسیع دهقانی حمایت می کند که ارزو دارند مالک مطلق وسائل کارشان زمینشان و حیواناتشان باشند و در راس انها اساس زندگانی انها قرار دارد. چه گوارا در نبرد پارتیزانی شیوه های عملی جنگ چریکی و استراتژیها و تاکتیکها را بیان میدارد و به طوری وسوسه انگیز به جزئیات می پردازد وی تاکید میکند که اگر در آغاز کار موفقیت تضمین شده

نیست نباید حتما دست به عملیات جنگی به هر مقیاسی که باشد زد. برای چه گوارار زندگی یک چریک ارزش خاصی دارد. هر چریک موظف است که از جان خود و البته سلاح خود مواظبت کند. از دست دادن یک اسلحه بزرگترین گناه یک مبارز محسوب میشود. چریکی که خود فرمانده خویشتن است نباید جز در موارد ضروری زندگی اش را به مخاطره اندازد. در واقع او باید آماده باشد که زندگی خود را فدا کند. ولی این فداکاری فقط در مواردی است که ارزش بسیار برجسته دارد هدف نهایی هر جنگ چریکی نابودی کامل نیروهای دشمن است برای تدوین یک استراتژی صحیح لازم است که فعالیت شدن به دقت بررسی شود به نظر او در طرح استراتژی بررسی و مطالعه دقیق مسائل زیر مبرم است: تسلیحات دشمن، مدت او در بکار بردن سلاح ها، تعداد نیروهای دشمن، وسائل حمل و نقل و نقشه های او، اهمیت تانک و هواپیما در جنگ چریکی، و نیز مساله تهیه مهمات و ویژگی رهبری عملیات جنگی در این موارد به هیچ وجه نباید از یاد برد که هزینه تسلیحاتی چریکها باید به طور کلی از محل تسلیحات دشمن تامین شود. ضربات ناگهانی باید لاینقطع و پی در پی وارد شود. چریکها نباید سربازان دشمن را حتی برای لحظه ای در منطقه عملیات آرام گذارند. آنها باید به طور سیستماتیک وسائل ارتباطی دشمن را مختل کنند و افراد رابط را از پای درآورند. دشمن باید خود را در همه جا در محاصره چریکها بداند. برای کلیه این عملیات باید همکاری مشترک با اهالی و شناخت دقیق منطقه ضروری است. از سوی دیگر همزمان با وجود آوردن ارگانی به منظور بررسی و مطالعه مناطق عملیات کنونی و آینده باید در میان اهالی این مناطق به کار سیاسی پیگیر و منظم پرداخت. در جریان کار سیاسی است که باید برای مردم انگیزه ها و هدفهای انقلاب را توضیح داد و آنان را به این حقیقت خدشه ناپذیر که خلق شکست ناپذیر است باورمند کرد کسی که این حقیقت را درک نکرده است نمیتواند چریک باشد کار سیاسی در میان مردم بیش از هر چیز باید به منظور بالا بردن بیداری و هوشیاری آنان انجام گیرد هر دهقان و هر فرد ساکن منطقه ای که در انجا چریکها نبردهای چریکی انجام می دهند باید چنان رفتار کند که آنچه را دیده و شنیده است نزد کسی بازگو نکند. و علاوه بر آن باید همکاری افرادی را که در وفاداریشان به انقلاب شک و تردید نتوان کرد تضمین کرد این افراد میتوانند به منظور خبررسانی، تهیه وسائل، مورد احتیاج زندگی و اسلحه یا راهنمایی پارتیزانها در منطقه ای مورد استفاده باشند چندی بعد میتوان با توده های سازمان یافته در مناطق کارگری همکاری نمود که حاصل این همکاری میتواند اعتصابات عمومی باشد. (۱) از نظر چه گوارا اعتصابات عمومی فاکتور بسیار مهمی است ولی تا رسیدن به آن یک سلسله شرایط لازم است و همیشه چنین شرایطی آماده نیست به نظر او این شرایط فقط هنگامی میتواند ایجاد شود که برای توده های خلق انگیزه ها و هدفهای انقلاب و نیز نیروهای خلق و امکاناتش همواره توضیح داده شود از دید چه گوارا عملیات خرابکارانه نیز عامل مهمی در نبردها به شمار میرود. به گفته او در این موارد باید به این کار به عنوان یک شکل جنگی انقلابی و موثر و شکل دیگر خرابکاری یعنی ترور و تاثیر ناچیز آن تفاوت نهاد. " درباره ترور نظرات گوناگونی وجود دارد برخی اشاره می کنند که تشدید اعمال خشونت امیز دشمن پس از ترور سبب خواهد شد که ارتباط علنی و مجاز و ارتباطات نیمه علنی و غیر مجاز با توده ها غیر ممکن گردد. مانع از آن گردد که توده ها در لحظات خاصی عملیات مبرم و ضروری پیکار انقلابی را به